# تحلیلی از مفاهیم و تلقیهای مختلف از بهره و ربا

دکتر رضا اکبریان[1]

## چکیده

بهره و ربا از مهمترین موضوعاتی است که نه فقط در هر سیستم اقتصادی بخش عمده‌ای را تشکیل می‌دهد، بلکه در تعیین شکل سیستم اقتصادی نیز سهم بسزایی دارد. به همین علت، بحث در مورد ربا و بهره در تاریخ تمدن بشر سابقه‌ای بسیار طولانی دارد.

امروزه نظام سرمایه‌ای با اتکا به نرخ بهره، اقتصاد را اداره می‌کند و کشورهای بسیار زیادی را نیز به این امر ترغیب و تشویق کرده است؛ اما با توجه به مفاسد اقتصادی که از این حیث متوجه جوامع می‌شود، از جمله کمک به ایجاد فقر، کمک به بیکاری، کمک به سودخواهی یک‌جانبه و جلوگیری از رشد تولیدی و تجاری و همراه داشتن نوسانات اقتصادی، ضرورت یک تحقیق منسجم در این مورد احساس می‌شود؛ زیرا از طرف اسلام ربا را تحریم کرده و از طرف دیگر ربا به عنوان یک ضرورت اقتصادی مطرح است.

چنان‌که از مضمون آیات راجع به ربا استفاده می‌شود، اسلام با تحریم بهره سعی در رفع بی‌عدالتیهای ناشی از ربا در جامعهٔ بشری داشته است. در نظام اقتصادی سرمایه‌داری، بهره و مؤسساتی که بر اساس بهره پایه‌گذاری شده‌اند نقش اساسی دارند و کل نظام بانکی بر بهره استوار است. بنابراین برای تشکیل نظام اقتصادیِ مبتنی بر الگوهای اسلامی باید نظام بانکی بدون بهره ایجاد و به طور موفقیت آمیز اداره گردد. در این صورت چون رباخواری مطلقاً ممنوع است، در سرتاسر اجتماع نمونه‌ای از ربا و

---

۱. پژوهشگر اقتصاد.

رباخواری دیده نمی‌شود و سرمایه‌ها در کارهای تولیدی از قبیل کشاورزی، صنعت و تجارت و بازرگانی به کار می‌افتد. بانکداری اسلامی که در تجدید حیات و تجلی ارزشهای بنیادین اسلامی، سهم قاطع و قابل ملاحظه‌ای داشته و دارد، در واقع تأسیسی است جدید که قدمت چندانی ندارد. لذا تازگی، تنوع و غنای محتوا و قضایا و مسائل مترتب بر این پدیده ایجاب می‌کند که عمیقاً و به گونه‌ای جامع مورد بررسی اندیشمندان و دانش‌پژوهان قرار گیرد.

در این مقاله ضمن تعریف اقتصادی بهره و ربا و مفاهیم مربوط، تئوری بهره در سیستم سرمایه‌داری، و فروض تعیین نرخ بهره، و انتقادات وارد بر آن را بررسی خواهیم کرد. در ادامه نگاهی به نظریه‌های بهره در اقتصاد سرمایه‌داری داریم و نحوه برخورد اقتصاددانان اسلامی با این نظریه‌ها و میزان مطابقت اوصاف ربا بر بهره را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

## معنای ربا در لغت

۱ـ «ربا» در لغت به معنای مطلق افزونی است. در الصحاح آمده است : «ربا الشیء یربوربوا ای زاد»، یعنی آن چیز افزایش یافت و الرابیه ازربو، برآمده از زمین است و ربوت الرابته، یعنی بلندی آن. الغراء دربارهٔ آیه «فاخذهم اخذه رابیه»[۱] (پس فرا گرفت ایشان را فرا گرفتنی افزون) می‌گوید : «افزون یعنی اضافه مثل آنکه بگویی اربیت. هنگامی که بیش از آنچه داده‌ای بگیری»[۲] در قاموس آمده است . «ربا ربواً مترادف بلندی است و ربا، یعنی رشد و نمو کردن».[۳]

۲ـ ربا در لغت، مطلق افزونی بدون اختصاص داشتن به چیز معین است.[۴]

۳ـ از نظر لغوی به مطلق زیادی «ربا» گفته می‌شود، چنانکه در المعجم الوسیط آمده است» «الفضل و الزیاده»[۵]

۴ـ ربا به معنای «زیاده بر اصل» است چه به صورت پول و چه به صورت جنس.[۶]

۵ـ استادان لغت برای واژه ربا دو معنا قائل شده‌اند:

۱ـ زیاد شدن هر چیز،

۲ـ نمود کردن هر چیز،

بنابراین معنای لغوی اقتصادی آن عبارت است از: افزودن و نمو دادن ارزش اقتصادی.[۷]

---

۱. سورهٔ الحاقه، آیهٔ ۱۰.

۲. اسماعیل بن حماد الجوهری: الصحاح؛ ج ۶، ص ۲۳۴۹.

۳. محمدبن یعقوب الفیروزآبادی: القاموس المحیط؛ ج ۴، ص ۳۲۶.

۴. حسن عبدالله امین؛ سپرده‌های نقدی؛ ترجمهٔ محمد رخشنده، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۷، ص ۲۲۸.

۵. انیس ابراهیم؛ المعجم الوسیط؛ انتشارات ناصر خسرو، الجزء الاول، الطبعه الثانیه، ص ۳۲۴.

۶. علی اصغر؛ هدایتی؛ عملیات بانکی داخلی: مرکز آموزش بانکداری؛ ۱۳۶۷، ص ۱۵.

۷. توانایان فرد، حسن، ربا درقرآن، انتشارات قسط، تهران، ۱۳۶۱، ص ۴.

۶ـ در فرهنگ علوم اقتصادی «ربا»[۱] چنین معنا شده است: «بهرهٔ بیشتر از حداکثر نرخی که قوانین مربوطه برای انواع مختلف قرض معین کرده است. در گفتگوی مردم هر نرخ بهره را گویند که دور از انصاف و ناعادلانه باشد»[۲]

۷ـ ربا یا «ربوا» در زبان عرب مشتق از ربو یربو به معنای زیاد شدن است و اگر ربا را بدون «واو» تلفظ کنیم و بنویسیم «الف» آن مقلوب از «واو» است و مشتق آن ربیه به معنای زایده و زمین بلند است.[۳]

۸ـ ربا به معنی ارتقاع و کثرت عدد نیز استعمال شده، چنانکه در آیه شریفهٔ «وانزلنا علیها الماء اهتزت و ربت» به معنای ارتقاع است و در آیه شریفهٔ «ان تکون امه هی اربی من امه» به معنای کثرت.[۴]

۹ـ به نظر امام رازی، «واژه» ربا به معنای افزایش یا اضافه است.[۵]

۱۰ـ واژهٔ ربا (الربوا) در لغت به معنای «افزایش هر چیز» به کار می‌رود. به عنوان مثال منظور از عبارت «اربی فلان علی فلان» این است که شخص چیزی را مازاد بر چیز دیگر گرفته باشد.[۶]

۱۱ـ به زبان علمی، اعراب این واژه را برای نشان دادن «مبلغ اضافی» که از طرف بدهکار در مهلتی مقرر بایست به بستانکار پرداخت می‌شد به کار می‌بردند واین همان است که ما از آن به بهره تعبیر می‌کنیم.[۷]

۱۲ـ در قاموس[۸] آمده است: ربا «ربوا» مترادف بلندی است و رباء یعنی رشد و نمو کردن. بنابراین معنای ربا در لغت، مطلق افزونی بدون اختصاص داشتن به چیز معین است.

---

۱. فرهنگ، منوچهر، فرهنگ علوم اقتصادی، انتشارات آزاده، تهران، ۱۳۶۶، ص ۱۳۵۸.
۲. شفائی، محسن، ربا از نظر دینی و اجتماعی، نقش جهان، ۱۳۴۸.
۳. مأخذ ۲.
۴. اقبال قرشی، انور، نظام اقتصادی و اجتماعی اسلام، ترجمهٔ سیدعلی اصغر هدایتی، مرکز آموزش بانکداری بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، تهران ۱۳۶۹، ص ۲۶.
۵. همان مأخذ ص ۲۴
۶. همان مأخذ.
۷. همان.
۸. محمدبن یعقوب، الفیروزآبادی، القاموس المحیط، ج ۴، ص ۳۲۶.

۱۳ـ در فرهنگ لاروس[۱] ربا این طور معنا شده است: الربا و الرباء: فزونی و زیادتی، سودی که وام دهنده از وام خود می‌گیرد. در شرع زیادتی مال است از عوض شرط برای یکی از دو طرف عقد، نزول پول. مبلغی که وامدار بنا به شرطی معین به وامخواه افزون به مبلغ وام بپردازد. ربح، سود.

۱۴ـ آنچه در لغت‌نامه دهخدا بر اساس فرهنگ متن اللغه و اقرب‌الموارد آمده است دلالت دارد که ربا نشو و نما کردن را گویند و به طور کلی مبین افزون شدن مال از راه ربا است.

## تعریف اصطلاحی ربا

۱ـ ربا یعنی تبدیل جنس به مانند خودش به اضافهٔ مقداری زاید بر آن در صورتی محقق می‌شود که مشتری یا قرض گیرنده احتیاج به آن جنس داشته باشد و مقدار حاجتش بیش از مقدار استفادهٔ روزانه‌اش باشد.[۲]

۲ـ ربا در اصطلاح فقها عبارت است از زیادت یا زائد در دو چیز که شرعاً حرام است.[۳]

۳ـ ربا ارزش اضافی است که از طریق استثمار دیگری به دست می‌آید.[۴]

۴ـ ربا عبارت است از: وام دادن چیزی توسط شخصی به شخص دیگر، مشروط به پس گرفتن از جنس همان چیز با اضافه یا با تغییر در زمان بعد.[۵]

همان‌طور که ملاحظه می‌شود برای ربا تعاریف مختلفی ارائه شده که به نظر بهترین تعریف، تعریف فقها است و بقیه تعاریف بر اساس استنباط شخصی بیان شده است.

تعریف نخست در قسمت اول، مبین معنای ربا است، اما در ادامه، شرط وقوع آن را نیاز مشتری بیان می‌کند. هر چند که بیشتر اوقات، نیاز، شخص را به طرف قرض

---

۱. خلیل؛ جر، فرهنگ لاروس: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳.

۲. محمدحسین؛ طباطبایی، فلسفه اقتصاداسلامی؛ موسسه مطبوعاتی عطائی؛ ۱۳۶۱، ص ۱۲۴.

۳. روح‌الله؛ امام خمینی، تحریرالوسیله؛ موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین لقم المشرفه، ایران.

۴. توانایان فرد، حسن، ربا در قرآن. انتشارات قسط، ۱۳۶۱، ص ۴.

۵. حسین، باهر، بهره و ربا؛ انجمن خدمات اسلامی، ۱۳۵۸، ص ۲۲.

می‌کشاند و مجبور می‌سازد مبلغی اضافه بر اصل را به صاحب مال بدهد ولی این تعریف، یک تعریف جامع نیست و چه بسا در غیر موارد نیاز هم شخص، جنسی را بگیرد و قصد داشته باشد با آن کار کند. در این حالت نیز اگر شرط شود که اضافه بر اصل چیزی به صاحب مال داده شود، ربا متحقق می‌شود.

تعریف سوم نیز خالی از اشکال نیست. حسب این تعریف، ربا را ارزش اضافی تلقی شده که از راه استثمار به دست می‌آید، در صورتی که ربا و استثمار دو مقولهٔ جدا از همند و ممکن است استثمار وجود داشته باشد، ولی ربا نباشد. به عنوان مثال بارز آن می‌توان به بیگاری اشاره کرد. البته می‌توان ربا و استثمار را از لحاظ نتیجه‌ای که دارند مقایسه کرد. به نظر می‌رسد از این منظر، هر دو یک چیز است و آن ظلم است، همان طور که قرآن می‌گوید : ربا ظلم است[1]، یعنی تجاوز به حقوق دیگران به شمار می‌رود. به بیان دیگر، رباخوار نسبت به آنچه می‌بَرَد ذی حق نیست. ربا ظلم است، ولی هر ظلمی ربا نیست. لذا این تعریف نیز تعریف جامعی نیست.

در مورد تعریف چهارم باید متذکر شد که این تعریف نیز نمی‌تواند تعریف درستی از ربا باشد؛ چون در قواعد منطق داریم که معرِّف باید اجلی و آشکارتر از معرَّف باشد، در صورتی که خود این تعریف ابهام دارد و به کار بردن کلماتی مانند واژه «چیز» بر ابهام ونارسایی آن می‌افزاید. به نظر می‌رسد که این تعریف یک تعریف ابتدایی در این باره است.

## اقسام ربا

حرام بودن ربا با قرآن و سنت و اجماع مسلمین ثابت گشته و از گناهان بسیار بزرگ محسوب می‌شود. ربا بر دوگونه است : ربا در معامله و ربای قرضی؛و به تعبیری دیگر، ربای معاملی و ربای قرضی.

---

۱. مرتضی؛ مطهری، ربا، بانک و بیمه، انتشارت صدرا، ۱۳۶۴، ص ۸۹.

## ۱ـ ربا در معامله

ربا در معامله عبارت است[۱] از مبادله دو کالای مثل هم با دریافت اضافی مانند فروش یک کیلو گندم به دو کیلو یا یک کیلو گندم به دو کیلو یا یک کیلو به انضمام ۱۰ ریال یا یک کیلو گندم نقد به یک کیلو گندم نسیه. این نوع ربا در سایر معاملات مانند صلح و غیره نیز جریان دارد. ربا در معامله در صورتی‌که توأم با دو شرط زیر باشد حرام است :

**الف** ـ از نظر عرف هر دو کالای مورد مبادله، یک جنس و یک نوع محسوب شود؛ ولی اگر از یک نوع نباشد و مثلاً یک کیلوگندم با یک کیلو عدس با مقداری اضافه مبادله شود مانعی ندارد.

**ب** ـ دو کالای مورد مبادله کیلی و وزنی باشد نه عددی و نظری همچنین در تعریف ربای معاملی بنا بر قول مشهور آمده است «هو مبادله او معاوضه المتماثلین اذا قدرا بالکیل او الوزن وزآ واحدهما علی الآخر»[۲]

زیادی هم شامل زیادی حقیقی است که «ربا الزیاده» «ربا الفضل» نامیده می‌شود، مثل اینکه کیلوگرم را به یک و نیم کیلو گندم بفروشد، و هم شامل زیادی حکمی است که «رباالنسیه» نام دارد.

از لفظ «مبادله او معاوضه» در این تعریف استنباط می‌شود که بنا بر قول مشهور، ربای معاملی اختصاص به بیع ندارد بلکه شامل سایر معاملات و معاوضات نیز می‌گردد.

در کتب مختلف فقهی شرایط ربای معاملی بیان شده که عبارتند از :

اولاً ثمن و مثمن یا عوض و معوض هم جنس باشند،

ثانیاً مکیل یا موزون باشند.

## ۲ـ ربای قرضی

ربای قرضی[۳] یعنی اینکه شخصی مالی را به شخص دیگر قرض دهد به شرط

---

۱. روح‌الله؛ امام خمینی، تحریر الوسیله؛ مؤسسه النشرالاسلامی التابعه لجماعه المدرسین لقم المشرفه ایران؛ ج ۱، ص ۴۹۳.

۲. حسن محمدتقی؛ الجواهری، "الربا فقیها و اقتصادیا"، دارالمرتضی؛ ۱۴۰۸ هق. ص ۱۱۳.

۳. روح‌الله؛ امام خمینی، تحریر الوسیله؛ مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین لقم المشرفه، ایران، ج ۱، ص ۴۹۳.

اینکه با مقداری زیادتر به وی بازگرداند، خواه به طور صریح شرط کند یا دادن قرض بر مبنای آن باشد.

در کتب مختلف فقهی، احکام و مسائل خاص و ریزه کاریهای زیادی در مورد ربای قرضی و ربای معاملی بیان شده که بیان آنها خود نیاز به مکتوب دیگری دارد، ولی در اینجا گفتنی است که آنچه در دنیا به نام ربا رواج دارد، این است که سودی در مقابل قرض گرفته شود، ولی همان طور که بیان شد در اسلام غیر از ربای قرضی که به شدت حرام شده، نوعی معامله هم حرام شده و اسم آن نیز ربا گذاشته شده است که در اصطلاح فقها به آن ربای معاملی می‌گویند.

شهید مطهری در مورد ربای معاملی چنین می‌گوید : سابقاً که من روی این قضیه مطالعه می‌کردم به نظرم آمد که این تحریمی است برای ربای قرضی، یعنی این معامله به این دلیل حرام شده که جلو ربای قرضی گرفته شود، یعنی اگر ربای معاملی حرام نباشد و فقط ربای قرضی حرام باشد، همین حیله‌هایی که الآن انجام می‌دهند، رواج می‌یابد. مثلاً من به جای اینکه بگویم صد من گندم به شما قرض می‌دهم که سر سال صد و پنجاه من گندم بگیرم، می‌گویم صد من گندم به شما می‌فروشم در مقابل صد و پنجاه من گندم، به نظر من این‌طور آمد که حکم ربای معاملی با اینکه از باب قرض نیست، این است که قرض به این صورت درنیاید، همین کاری که اتفاقاً معمول شده و به شکلهای مختلف به صورت حیل ربا درآمده است.[۱]

با توجه به نکاتی که در مورد ربای معاملی ذکر شد، سؤال این است که چگونه معاملات سالم و غیر ربوی را از معاملات ربوی تشخیص دهیم؟

از سه راه می‌توان معاملات ربوی را از غیر ربوی تشخیص داد: اول) فهم لغت «ربا»، دوم) شناخت معاملاتی که با این عنوان در محیط و عصر نزول قرآن متداول بوده، سوم) سنت ناشی از قول و فعل رسول اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع).

از لغت ربا که به معنای افزایش و تورم است[۲] و استعمال این لغت در مورد بعضی از

---

۱. مرتضی؛ مطهری، همان مأخذ، ص ۷۷.

۲. طالقانی، محمود، اسلام و مالکیت، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۴۴، ص ۱۸۴.

معاملات روشن می‌شود که معاملات ربوی به آن دسته از معاملات اطلاق می‌شود که در آنها، سرمایه خود به خود و بدون عمل مفید افزایش یابد، و چون معامله ربوی اغلب یا منحصراً در عصر ظهور اسلام از راه قرض پول بوده، از این نظر باید ربای ممنوع منحصر به ربای عاید از راه قرض پول باشد؛ ولی سنتگذاران اسلام که مفسر و مبین نظر قرآن بودند، قسمتی از معاملات را مشمول عنوان ربا دانسته آن را تحریم کرده‌اند. مقیاس این قسم معاملات ربوی، مبادله دو کالا با اضافه است که از یک نوع مکیل یا موزون باشد. بنابراین ربا از نظر اسلام به قرض یا صرف که مبادله پول با ربح است منحصر نمی‌شود و برای جلوگیری از رواج ربا مبادله سلفی پول به پول، بلکه کالا به کالای همنوع را اگرچه در مقدار یکسان باشند تحریم کرده‌اند.

سؤال دیگری که در مورد ربای معاملی مطرح می‌شود، این است که آیا ربای معاملی مثل ربای قرضی در مطلق اشیا حرام است؟ بعضی گفته‌اند که ربای معاملی در مطلق اشیا حرام است و بعضی آن را در مورد مطلق اشیا حرام نمی‌دانند؛ ولی معروف و مشهور نزد فقهای شیعه این است که ربای معاملی در مکیل و موزون حرام است، یعنی در مورد اجناسی که با کیل و وزن فروخته می‌شوند ربای معاملی جاری است و در غیر اینها ربای معاملی جاری نیست.

شهید مطهری در مورد ربای معاملی معتقد هستند که در بعضی چیزها اساساً ربای معاملی معنا ندارد، مثل اسب، چون ارزش اسب به کمیت آن نیست و ربا به کمیت برمی‌گردد. بسا اتفاق می‌افتد که ارزش یک اسب با ده اسب دیگر برابر است و چنین نتیجه می‌گیرند که در مورد چیزهایی که ارزش آنها تابع کمیتشان نیست، ربای معاملی معنا ندارد و گاهی نتیجهٔ معکوس می‌دهد، مثلاً اگر بگوییم یک اسب را با دو اسب معامله کردن ربا است، معنایش این است که اگر کسی یک اسب بدهد، و دو اسب بگیرد، ربا گرفته، در حالی که بسیار اتفاق می‌افتد که یک اسب به تنهایی بیش از دو اسب ارزش دارد و در واقع کسی که یک اسب گرفته، ربا گرفته است. لذا اینکه بعضی از عامه گفته‌اند که ربای معاملی در مطلق اشیا جاری است ادعای درستی نیست.

گفتیم که ملاک حرمت ربای معاملی، مکیل و موزون و متجانس بدون است و آن‌چه

نزد شیعه شهرت دارد این است، که در ربای معاملی، ربا در معدود استثنا شده است. سؤال این است که صرف معدود بودن یا مکیل و موزون بودن چگونه می‌تواند ملاک حکم بشود؟ برای پی بردن به جواب باید بررسی شود که آیا در عبارت «لاربا فی المعدود» استثنایی وجود دارد یا آنچه هست به صورت «لاربا الا فی ما یکال اویوزن» است. برای استفاده از عبارت دوم باید توجه داشت که کالاها بر دو قسمند: کالاهای قیمتی و کالاهای مثلی. برخی اشیا مثل خانه، مثلی نیستند و در عین حال مکیل و موزون و معدود هم محسوب نمی‌شوند و اصولاً جز به مشاهده معامله نمی‌گردند. دستهٔ دیگر اشیای مثلی است. در باب معاملات، تحریم ربا به امور مثلی اختصاص پیدا می‌کند. بنابراین جملهٔ «لاربا الا فی ما یکال او یوزن» برای استثنای چیزهایی است که به هیچ نحو قابل توزین و توکیل نیستند و به مشاهده معامله می‌شوند، مثل خانه، و شامل معدود نمی‌شود، زیرا معدود قابل کیل وزن است.[۱]

در ادله، دو مورد وجود دارد که به علت ربا نفی و باطل شمرده شده است. یکی در باب قرض است که هر منفعتی در قبال قرض، ربا و حرام است، چون دلیل داریم که کل قرض یحرنفعا «فهوربا»، یعنی هر قرضی که به نحوی منفعتی را موجب شود، ربا است. یک سنخ ادله هم داریم که طبق آنها اگر مکیل و موزون به زیاده یاکم فروخته شوند ربا تحقق یافته و لذا عمل مربوط، حرام و باطل است. البته بعضی از فقها حکم معدوود را نیز مانند مکیل و موزون دانسته‌اند. در ادله‌ای که در مسائل فقهی عنوان دارد، معلل نیست و علت خاصی برای آنها ذکر نشده است.

## تعریف اقتصادی بهره و مفاهیم مربوط به آن

### معنای بهره در لغت

در ترتیب القاموس المحیط آمده است : بهره (الفائده) استفاده‌ای است که از دانش یا ثروت می‌شود و جمع آن فواید است. در تاج العروس بهره این‌طور معنا شده است : چیزی است که خداوند متعال برای بهره‌برداری و استفاده بنده‌اش، در اختیارش گذارده

---

۱. مرتضی؛ مطهری، همان مأخذ، ص ۲۰۴.

است. در معجم الوسیط آمده است : بهره (الفائده) استفاده‌ای است که از دانش یا ثروت می‌شود و سود مال در زمان مشخص با نرخ معین را گویند و جمع آن فوائد است.

قسمت اول تعریف معجم الوسیط با تعریفی که در ترتیب القاموس المحیط و تاج العروس از کلمه بهره (فایده) شده، تقریباً یکسان و معنایی عمومی است که شامل افزونی مال یا کسب آن از هر راه و طریقی است و شاید همین عمومیت معنا باعث شده که در معجم الوسیط، قسمت دوم تعریف که بیانگر مفهوم امروزی آن در فرهنگ بانکی است، بر تعریف بهره افزوده شود، یعنی «درصدی از پولهای سپرده یا وام گرفته شده از بانکها».

## تعریف بهره در فرهنگ بانکی

بهره، یعنی ارزش پرداختی در ازای به کار گرفتن پول.[1] این تعریفی است که می‌توان آن را در چارچوب عمومی آن در لغت و در ارتباط با هر شکل استفاده که از پول می‌شود، ارایه کرد.

## تعریف بهره

جمع ارزش‌هایی که مقدار معینی پول در طول زمان مشخص بر اساس نرخ بهره، عاید می‌کند، بهره می‌گویند. بنابراین برای تعیین بهره باید مبلغ پول را در مدت داد و ستد و نرخ بهره ضرب کرد. در واقع بهره، قیمت پول است و به این عنوان پاداشی است که به وام دهندگان پرداخت می‌شود تا آنان را ترغیب کند که از وجوه نقد خود جدا شوند.

به عبارت دیگر، بهره پول عبارت از قیمتی است که وام گیرنده برای استعمال یا اجارهٔ پول به وام دهنده می‌دهد. این قیمت مانند هر قیمت دیگر بستگی به عرضه و تقاضا دارد، وقتی که عرضه پول نسبت به تقاضای آن بالا باشد، نرخ بهره پایین می‌آید و وقتی که عرضه پول نسبت به تقاضای آن پایین بیاید نرخ بهره بالا می‌رود.

---

1. Interest : The price paid for the use of money.

مسلمانان اروپا که پیشرفت سرمایه‌داری را می‌دیدند و به موازات آن پیشرفت صنعت و بازرگانی آنان را شیفته خود کرده بود، از یک طرف بانکداری جدید را لازمهٔ پیشرفت صنعت و بازرگانی می‌دانستند و از طرف دیگر با مسأله ربا روبرو می‌شدند. لذا عده‌ای تصور کردند بهره که اساس بانکداری جدید را تشکیل می‌دهد ربا نیست و در مقابل عده‌ای گفتند که بهره همان ربا است. در نتیجه این فکر به وجود آمد که اگر چنین است بانکداری جدید باید از بین برود. برخوردهای فکری این دو گروه باعث ارائه این توجیه شد که ربا به قروض ابتدایی اطلاق می‌شود که جنبهٔ مصرفی دارد، ولی در بانکداری جدید استقراض، جنبهٔ تولیدی دارد در خلق سود مؤثر است و نتیجه اینکه چون بهره، هزینه استفاده از پول در فعالیتهای تولیدی صنایع و بازرگانی جدید است حرام نیست. به این بیان که قرض گیرنده با مبلغ مورد قرض در صنایع و بازرگانی جدید سرمایه‌گذاری می‌کند و سود به دست می‌آورد و لذا باید سهمی از این سود را به نام بهره بپردازد. بنابراین آنچه قرآن حرام کرده ربا است، نه بهره، اما در این استدلال تضادهای زیادی به چشم می‌خورد.

اولاً در زمان پیغمبر (ص) نیز ربا برای قرضهای مربوط به کارهای بازرگانی و تولیدی وجود داشت.

ثانیاً امروزه مشاهده می‌کنیم که بسیاری از وامهای بانکهای جدید بیش از آنکه جنبهٔ تولیدی داشته باشد فقط وام مصرفی است. در واقع استقراض در قدیم ودر بانکداری جدید از نظر نوع و ماهیت تفاوت ندارند و صرفاً ازنظر درجهٔ پیشرفت با هم متفاوتند.

**نظر فلاسفه و دانشمندان دربارهٔ بهره** : سلیمان ندوی در مقدمهٔ کتاب اسلام و نظریهٔ بهره[1] چنین می‌نویسد :

«تحریم بهره موضوعی است متفق القول، نه فقط در اسلام، بلکه در اکثر ادیان جهان و نیز متفق‌القول اکثر فلاسفه قدیم. راقم این سطور در مقاله‌ای تحت عنوان «بهره و کتب مقدسه» که به سال ۱۹۰۹ در مجله الندوه نشر یافت، متعرض این نکته گردید که

---

۱. این کتاب تألیف انور اقبال قریشی می‌باشد

متفکران یونانی و رُمی نیز در روزگار خود بهره را تحریم کرده بودند، به همان گونه که متون مقدسه ملل غربی آن را منع کرده بود. لکن یهودیان همیشه و در همه جا محدودیتهای پیش‌بینی شده در آیین خود را نادیده گرفته، مسیحیان نیز رویه آنان را پی گرفتند و به بهره (Interest) که به نظر می‌رسد واژه‌ای عبری یا یونانی باشد لباس مذهبی پوشاندند و مفهوم و مضمون آن را تغییر داده، از این التقاط به «بهره»[۱] و «ربا»[۲] رسیدند؛ یعنی برای واژه نخستین ضمانت اجرایی قائل گردیده و دومی را تحریم کرده‌اند، در شرایطی که این وجه تمایز هیچ مستندی ندارد، چرا که تفاوت بین این دو واژه از نظرِ زیان کمتر یا بیشتر است، نه از باب مطلق زیان یا سود.

«به همین گونه، تلقی مذموم بودن بهره در مورد اعتبار تجاری شخصی و بدون اشکال بودن آن در مورد بنگاههای تجاری که از آغاز قرن هفدهم، از طریق نظام بانکی اعمال می‌گردید، برداشتی بود که محکومیت دزدی و در عین حال، جواز تجارت را متبادر به ذهن می‌کرد، چرا که ارتکاب خلاف توسط فرد مغایر قانون و زیانمند تلقی می‌گردید، لکن اگر همین امر با تبانی افراد مختلف انجام می‌گرفت قانونی شناخته می‌شد».[۳]

در توضیح سرمایه گفتیم آن قسمت از ثروت که در امر تولید به کار گرفته می‌شود و در جریان تولید مصرف نمی‌شود (بلکه مستهلک می‌شود) سرمایه نام دارد. حال که مفهوم سرمایه روشن شد در می‌یابیم که در اصطلاح روزمره این مفهوم به درستی به کار گرفته نمی‌شود. آنچه در عمل بیشتر مورد نظر است همانا ثروت است و پول نیز فقط وسیلهٔ مبادله است. بنابراین وقتی از بهره به طور کامل صحبت می‌شود، منظور ما به ازای پولی آن قسمت از ثروت است که وام داده می‌شود که این قسمت می‌تواند پول باشد یا غیر پول، در کار تولیدی به کار گرفته شود یا در امر مصرفی. اما در اصطلاح علم اقتصاد فقط در صورتی که در کار تولیدی به کار رود، سرمایه نامیده می‌شود.

در ادامه مناسب است چند نظر عمده درباره بهره را ذکر کنیم:

---

1. Interest. 2. Usary

۳. اقبال قریشی، انور، نظام اقتصادی و اجتماعی اسلام، ترجمهٔ سیدعلی اصغر هدایتی، دانشکده علوم بانکی، تهران ۱۳۶۹، ص ۲۰.

۱ـ **ارسطو** ارسطو بهره را امری غیر منصفانه می‌داند، زیرا معتقد است که صاحب پول فعالیتی اقتصادی انجام نمی‌دهد.

۲ـ **اصحاب مدرسه** رباخواری را مذموم و بهره را فرزند آن دانسته‌اند.

۳ـ **مارکس** بهره را استفاده از عایداتی می‌داند که متعلق به کارگران است.

۴ـ **مای** می‌گوید: «بهره انگیزه‌ای است برای عرضهٔ سرمایه به خاطر مقاصد تولیدی که در غیر این صورت ممکن نیست صورت تحقق یا امکان به خود گیرد. این انگیزه می‌باید به حد کافی زیاد باشد تا صاحبان سرمایه را در تقبل خطر احتمالی که هر نوع وام اعطائی وابسته است ترغیب نماید».[۱]

**توجیهی علمی از حرمت ربا**: برای آنکه بتوان حرمت ربا را به طریق علمی توجیه کرد کافی است که به زیربنای فلسفی اسلام توجه شود. در اسلام بر خلاف سرمایه‌داری که اصالت فرد را می‌پذیرد و بر خلاف سوسیالیسم که اصالت را به جامعه می‌دهد، اصالت را با فرد و جامعه است. به عبارت دیگر از نقطه نظر اسلام هم فرد اصل است و هم جامعه، یعنی نمی‌توان فرد را فدای جامعه کرد یا جامعه را فدای فرد، بلکه هردو مهم و محترمند. از این رو در هر زمینه، این تلقی باید در نظر گرفته شود.

در مورد ربا، موضوع اصالت فرد و جامعه به بهترین نحو اعمال شده است. وقتی فردی چیزی را از دیگری به عنوان وام می‌گیرد، این وام را یا برای آمور مصرفی می‌خواهد یا برای امور تولیدی. از مصرف شخصی، جامعه نفعی نمی‌برد، ولی متضرر هم نباید بشود. مصرف شخص ممکن است حیاتی یا غیر حیاتی باشد. اگر مصرف شخصی ضروری است و فرد قدرت پرداخت آن راندارد، جامعه مسئول است به چنین فردی وام بدون بهره بدهد که این وام را «قرض‌الحسنه» می‌گویند، اما اگر مصرف شخصی ضروری نیست و فرد هم قدرت پرداخت آن را ندارد طبیعی است که لزومی ندارد چنین مصرفی را انجام دهد و جامعه نیز مکلف نیست به او وام بدهد و اگر وام را با بهره بگیرد حرام است.

---

۱. لودویک، اچ، مای؛ آشنائی با علم اقتصاد، ترجمهٔ علی اصغر هدایتی، چاپ کتابهای جیبی، ۱۳۵۶، صص ۱۱۴-۱۱۶.

اما در صورتی‌که کسی بخواهد به کار تولیدی بپردازد، ولی نتواند منابع مالی لازم را فراهم کند، از آنجا که کار تولیدی به نفع جامعه است، باید تشویق گردد، ولی نحوهٔ عمل نباید به گونه‌ای باشد که شخص یا جامعه از این امر متضرر گردند.

سؤالی که مطرح می‌شود این است که چطور ممکن است شخص یا جامعه در اثر کار تولیدی متضرر شوند؟

در پاسخ می‌توان گفت اگر تولیدکننده‌ای سرمایه خود را از سرمایه داری به شکل وام با بهره بگیرد، سرمایه‌دار بدون آنکه نگران سرنوشت تولید باشد از سرمایهٔ خود نفع می‌برد، این وضعیت از طرفی موجب تمرکز ثروت بی‌زحمت برای سرمایه‌دار و از طرف دیگر استثمار سایر عوامل تولید می‌گردد که با منطق عدل و قسط قابل توجیه نیست.

اسلام در این‌باره راه‌حلهایی را ارائه داده تا ضمن آنکه کار تولیدی تشویق می‌گردد، کسی از جریان تولید سؤ استفاده نکند. در این قسمت دو نمونه از راه‌حلهای اسلام را بیان می‌کنیم و به بقیه مطالب به صورت مفصل در مباحث فصل بعد خواهیم پرداخت.

**۱ـ مضاربه** : یعنی آنکه صاحب سرمایه با تولیدکنندگان دیگر در کار تولیدی شرکت کرده، سهم خود را از نتیجه تولید تعیین کند. در این مورد در واقع، سهم سرمایه دار نه بر اساس سرمایه، بلکه بر اساس محصول تعیین می‌شود. از این رو، سرمایه‌دار نیز نگران محصول بوده، علاقه‌مند است که حتی الامکان محصول بهتر و بیشتری تولید گردد. این امر به بهبود وضع اقتصاد کمک می‌کند.

**۲ـ جعاله** : هرگاه سرمایه‌دار سرمایه خود را در اختیار شخصی قرار دهد که در عمل تولیدی معینی به کار گیرد و در ازای این خدمت، مزدی به شخص مذکور پرداخت کند، این عمل را جعاله گویند. در جعاله نیز صاحب سرمایه از قبل نمی‌داند که به طور دقیق چه چیزی نصیب او می‌گردد، بلکه چون نتیجه تولید به او تعلق می‌گیرد، سعی می‌کند اولاً در کار مفید سرمایه‌گذاری کند و ثانیاً می‌کوشد تولید به بهترین وجه انجام گیرد.

## بررسی میزان مطابقت اوصاف ربا بر بهره

در مباحث گذشته سعی کردیم معنای کلمه بهره را در لغت، در زبان شرع و در

اصطلاح بانکی روز، مشخص کنیم. روشن شد که منظور از کلمهٔ بهره در اصطلاح بانکی، ارزش پرداختی در برابر به کارگرفتن پول و به بیان دیگر مزد پرداختی در برابر استفاده از پولها در عملیات گوناگون بانکی است.

بهره در اصطلاح فقهی چیزی است که جز از طریق مال دیگری همچون ارث، بخشش یا هدیه، حاصل آمده باشد و آنچه از کالای خریداری شده برای مصرف حاصل آید، مثل افزونی در قیمت آن مانند زمین یا حیوانی که برای استفاده شخصی خریداری شده، ولی به قیمتی بیش از قیمت خرید فروخته شود، بهره است؛ درست برعکس سود که افزوده بر قیمت کالایی است که برای تجارت خریداری شده است، یعنی چیزی که از افزوده‌هایی چون پشم و کرک و شیر کالای تجاری پیش از فروش، ناشی شده باشد.[۱]

بنابراین، بهره و سود در اصطلاح فقهی دو مقوله جدا از همند. حال باید دید آیا اصولاً می‌توان بهره را با یکی از گونه‌های ربا، مرتبط دانست یا اینکه اختلاف این‌دو با هم در حد اختلافاتی است که هر کدام با سود دارند.

گفتیم که «بهره» در اصطلاح بانکی، «ارزش پولی به کار گرفتن پول است». حال اگر بدانیم که از یک سو، پولی که بانکها به کار می‌گیرند و در ازای آن، «بهره» می‌پردازند همان سپرده‌های مدت‌دار یا سپرده‌های پس‌انداز است و از سوی دیگر، پولی که بانکها به وام گیرندگان و سرمایه‌گذاران وام می‌دهند و در مقابل، درخواست مبلغی به عنوان بهره از ایشان می‌کنند، همان پولی است که از سپرده‌های ویژه بانکها عاید می‌گردد و به علاوه در قانون گونه‌های مختلف سپرده‌های بانکی، وامهایی قلمداد می‌شوند که در اختیار بانکها قرار می‌گیرند و بانکها متعهد به بازپرداخت آن به اضافه بهره ـ در صورتی که مدت‌دار یا برای پس‌انداز باشند ـ هستند، روشن می‌شود که بدون تردید معنای «بهره» حسب معیارهایی فقهی و شرعی با معنای افزوده در قرض، همخوانی پیدا می‌کند و ربای افزوده یکی از گونه‌های دوگانهٔ ربای جاهلیت و حتی گونهٔ آشکار آن است که در قرآن به طور قطع تحریم گردیده است.[۲]

---

۱. حسن؛ عبدالله امین، سپرده‌های نقدی؛ ترجمهٔ محمد رخشنده، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۷، ص ۲۴۶.

۲. این نحو مقایسه ربا و بهره طبق بانکداری غرب می‌باشد ودر مورد ایران بخصوص بعد از عملیات بانکی بدون ربا این مسئله تا حد زیادی رفع شده است.

«الحصاص» چنان بر این مطلب تأکید کرده که می‌گوید : «معامله ربایی ایشان، یعنی اعراب جاهلی، فقط به شکل قرض دادن درهم و دینارهایی مدت دار به شرط افزوده بوده است». بنابراین «بهره» به دلیل عدم (وجود) آن در سپرده‌های جاری یا دیداری ـ چیزی جز افزوده مشروط در قرضی مدت‌دار به نفع سپرده‌گذار در سپرده‌های مدت‌دار یا پس‌اندازی است. با وجودی که سپرده‌های جاری نیز در قانون، قرض شمرده است همچنان که در حالت وام دادن بانک به دیگری «بهره» چیزی جز افزوده در قرض مدت دار به نفع بانک نیست.

بنابراین مبلغ افزودهٔ مربوط به حالتی که بانک سپرده‌های مدت‌دار قبول می‌کند یا قرض دادن پول به شکل پرداخت وام، ربا است و حتی همان ربایی است که هیچ کس تردید ندارد یکی از اقسام ربای جاهلی است که خداوند متعال در قرآن در آیهٔ «واحل الله البیع و حرم الربا» قاطعانه آن را تحریم کرده و پیامبر اکرم (ص) در حجة الوداع درباره‌اش گفته است : «ربای جاهلیت منسوخ است و اول ربایی که وضع می‌کنیم ربای عباس عبدالمطلب است».

حتی نزد خود غربیها نیز بهرهٔ پرداختی در ازای بکار بردن پول، ربا محسوب می‌شد، ولی تکامل تجارت و صنعت و نیاز به تأمین اعتبار از سخت‌گیری ایشان نسبت به گرفتن بهره کاست و چنان شد که عنوان ربا را فقط بر مبلغی که علاوه بر میزان مقدر در قانون یا عرف، می‌گرفتند، اطلاق کردند.

برخی اقتصاددانان، از جمله تعدادی از دانشمندان سرشناس اقتصاد غرب همچنان بر این اعتقادند که سود ـ حتی اندک ـ ربا است. مثلاً دکتر «عیسی عبده» درکتاب خویش به نام بانکهای بدون بهره تحت عنوان «بهره سرمایه، رباست» می‌نویسد: «حال اگر این گفته، اساساً از آن ما بود، حق داشتیم که به عرضهٔ چنین حقیقتی، افتخار کنیم ولی ما از منابعی نقل قول می‌کنیم و متنهایی در جای خود می‌آوریم تا هر آن کس که خواهان حقیقت باشد، از آنها مطلع گردد، و در این زمینه از «لرد کینز» یکی از اقتصاددانان بزرگ غربی نقل قول می‌کند که گفته است : «هنگامی که سرمایه‌ای برای کار گرفتن به صورت اندوخته‌های فردی یا گروهی فراهم می‌شود، نرخ بهره، به خودی خود تا حد صفر

کاهش می‌یابد و زمینه‌ای نمی‌ماند که سرمایه‌دار بیکاره به حساب جامعه، از طریق افزوده ربایی به صورت بهره یا سودی فاحش، گذران زندگی کند».

بر این اساس درمی‌یابیم که بهرهٔ پرداختی به وامها (سپرده‌ها) نه فقط از نظر فقه و شرع اسلام بلکه در نزد غربیها نیز ـ علی‌رغم تلاشی که اخیراً در مورد منحصر ساختن ربا به اضافه بر آنچه در قانون یا عرف مجاز است، به عمل آمده ـ ربا محسوب می‌شود.

از طرف دیگر، منحصرساختن یا مقیدکردن عنوان بهره به اضافه‌ای که علاوه بر آنچه قانوناً و عرفاً مجاز است، اخذ می‌شود، حقیقت آن را از نظر شرع اسلام، تغییر نمی‌دهد و حکم اسلامی آن را عوض نمی‌کند، زیرا از جمله اصول مقرر در شرع اسلام آن است که آنچه زیادش حرام است اندکش نیز حرام است و از آنجاکه ربا، نشانگر ستم انسان بر انسان است و ظلم و ستم تجزیه‌پذیر نیست، کم و زیاد آن به یک اندازه حرام خواهد بود.

## فهرست منابع و مآخذ

### الف ـ منابع فارسی


۱ـ اکبریان، رضا، «تحلیلی از مفاهیم بهره و ربا در اقتصاد اسلامی دانشگاه امام صادق (ع)

۲ـ اقبال قریشی، انور، اسلام و نظریه بهره، ترجمه گروه پژوهشهای اقتصادی اسلامی بانک مرکزی ایران، انتشارات شهید، ۱۳۶۱.

۳ـ باهر، حسین، بهره و ربا، انجمن خدمات اسلامی، تهران، ۱۳۵۸.

۴ـ باهر، حسین، نگرشی علمی به بانک در ایران و اسلام، انجمن خدمات اسلامی، تهران، ۱۳۵۸.

۵ـ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، قانون عملیات بانکی بدون ربا، مصوب مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۶۲

۶ـ بهشتی، محمد، ربا در اسلام. دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۹

۷ـ شفایی، محسن، اسلام و حکومت، دفتر انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۶۷

۸ـ صدر، سید کاظم، ربا، نرخ بهره، نرخ نسیه، بنیاد پژوهشهای اسلامی، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۹.

۹ـ صدر، محمدباقر، بنیادهای عمومی بانک در جامعهٔ اسلامی، ترجمهٔ سید جمال‌الدین موسوی، انتشارات روزبه، تهران، ۱۳۵۹.
۱۰ـ گرامی، محمدعلی، اصول کلی بانکداری در نظام اسلامی، دانشگاه امام صادق (ع)
۱۱ـ لطیف، بیژن، مبانی تقاضای پول در نظام اقتصاد اسلامی، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۷.
۱۲ـ مطهری، مرتضی، ربا، بانک، بیمه، انتشارات صدرا، تهران ۱۳۴۶.

## ب ـ منابع عربی

۱ـ قرآن کریم
۲ـ نهج‌البلاغه
۳ـ ابن منظور الافریقی، ابوالفضل، لسان العرب، نشر ادب الحوزه، قم المقدسه، ۱۴۰۵ هـق
۴ـ انیس، ابراهیم و عبدالحلیم منتصر، المعجم الوسیط، انتشارات ناصر خسرو، تهران ۱۳۵۸ هق
۵ـ جواهری، حسن محمدتقی، الربا فقیهاً و اقتصادیاً، دارالمرتضی، بیروت، ۱۴۰۸ هـق
۶ـ صدر، محمدباقر، البنک اللاربوی فی الاسلام، دارالمتعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۰ هـق
۷ـ طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، ۱۳۹۳ هـق
۸ـ ملکوتی، مسلم، الربا فی التشریع الاسلامی، مطبعه مهر، قم، ۱۳۹۵ هـق
۹ـ معلوف، لویس، المنجد فی اللغة و الاعلام، دارالشرق، بیروت، ۱۹۷۳ هـق

## ج ـ منابع انگلیسی

1- AL - Naggar, Ahmad, "Impact of interest-free Banking on Economy" The Internarional Association of Islamic Banks, karachi, 1985.

2- Branson, W. H. "Macro economic Theory and Policy" Harper and Row, 1972.

3- Conard, Joseph "introducrion to The Theory of interest: Berkely, Losangles university of california, 1959.

4- Fisher, Douglas, "Monetary Theory and The demand for money, Martin Robertson, 1980.

5- Hadar Naghavi, "The Ethics and Economics" an Islamic synthesis The.5891, noitadnuof cimalsI

6- Mirakhor, Abbas, "Equilibrium in a Non interest open economy" IMF 1988.